

چالش نظام حقوقی ایران در مواجهه با آثار قهری معاهدات بین‌المللی و عدم ترتب اثر حق شرط در آنها

عباس علی کدخدایی^۱، محمدصادق فراهانی^۲، امیر لهراسبی^{۳*}

۱. استاد گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۶

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/giplk.2022.1496.1399](https://doi.org/10.22034/giplk.2022.1496.1399)

چکیده

جلوه آشکار نظام معاهداتی کشور خود را در طنین نظرات و تصمیمات مجلس شورای اسلامی یا شورای نگهبان در پذیرش یا رد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی نمایان می‌سازد. چنانچه بر وسعت و عمق نگاه حاکم بر این فرایند افزوده شود، چندین ابهام مکنون در مضامین حقوق اساسی را می‌توان متوجه کشور دانست که هر یک به مثابه تهدیدی بر امنیت و منافع ملی سایه می‌افکند. از یک منظر معاهدات بین‌المللی می‌توانند آثاری را قهرماً بر دایره تعهدات فراملی کشور تحمیل کنند بدون آنکه مورد پذیرش نظام داخلی کشور قرار گرفته باشند و از منظری دیگر به علت فقدان سازوکار نظارتی احتمال مغایرت در مفاد تصویب‌شده داخلی و خارجی وجود دارد. نوشتار پیش رو با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به تبیین خلأ موجود در نظام معاهداتی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. آنچه در این تحقیق از نظر گذرانده می‌شود لزوم تدوین نظام کنش و واکنش در رویه بین‌المللی کشور و همچنین تهیه سازوکاری جهت اطلاع نهادهای ذی‌صلاح از فرایند پساتصویب معاهدات بین‌المللی است تا بتوان آثار قهری و مکتوم معاهدات را به حداقل رساند.

کلمات کلیدی: حق شرط، حقوق اساسی، حقوق بین‌الملل عرفی، شورای نگهبان، قهری،

مجلس شورای اسلامی، معاهدات بین‌المللی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

* Email: amir.lohrasbi@ut.ac.ir



* این مقاله با حمایت پژوهشکده شورای نگهبان انجام شده است



The Challenge of Iran's Legal System Regarding the Forcible Effects of Treaties and Ineffectiveness of Reservations Thereto

AbbasAli Kadkhodaei ^{1*}, Mohammad Sadegh Farahani ², Amir Lohrasbi ³

1- Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran

2- Ph. D Student in Public Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Iran

3- MA. in International Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Iran

DOI: [10.22034/qjplk.2022.1496.1399](https://doi.org/10.22034/qjplk.2022.1496.1399)

Abstract

The clear manifestation of the country's treaty system is reflected in the opinions and decisions of the Islamic Consultative Assembly or the Guardian Council in accepting or rejecting international agreements. In this perspective, several ambiguities in the issue of constitutional law can be seen as a threat to the national security of the Iran. On one hand, international treaties can forcefully impose their effects on Iran's transnational obligations without being considered by the parliament and the Guardian Council, while on the other hand, due to the lack of a monitoring mechanism, it is possible to change the approved internal and external documents. What was discussed in this study is the need to formulate a system of claim and counterclaim in the international practice of Iran and also to prepare a special mechanism to inform the competent institutions about the post-ratification process of treaties.

Keywords:

constitutional law, customary international law, forcible, Guardian Council, law of treaties, reservation.

* Email: amir.lohrasbi@ut.ac.ir (Corresponding Author)



مقدمه

معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی یکی از ابزار اصلی دولت‌ها و تابعان حقوق بین‌الملل در تنظیم و پیشبرد روابط سیاسی دولت‌ها در جامعه بین‌الملل محسوب می‌شوند که به سبب نقش اثرگذارشان در تأمین اهداف و منافع ملی قانون‌گذاران را، به جهت صیانت از ملت در برابر تعهداتی که به تضييع منافع داخلی و بین‌المللی کشور منجر می‌شود، به سمت تعیین محدودیت و به‌کارگیری ضوابط انعقاد معاهدات سوق داده است تا از تعدی به حقوق ملت جلوگیری شود (بهادری جهرمی و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴: ۱۱۵).

در این میان اگرچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سخنی از جایگاه معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مرتبط با دولت ایران به لحاظ مختصات آن‌ها در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی لازم‌الاجرای کشور به میان نیاورده است، وفق ماده ۹ قانون مدنی^۱، که معاهدات ایران با سایر دول را در حکم قانون قلمداد می‌کند، می‌توان ماهیت حقوقی عهدنامه‌های بین‌المللی را در قالب «قانون عادی» شناسایی کرد که در پرتو اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی مستلزم تصویب و نظارت مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۶۳). بر همین اساس، همه الزامات قانونی حاکم بر قوانین عادی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در خصوص معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز معتبر و مجری خواهد بود که به تبع با مذاقه در اصل ۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۲ می‌توان اعتبار و صحت جملگی قراردادهای دولت ایران با تابعان جامعه بین‌الملل را در گرو مطابقت آنان با شریعت و قانون اساسی، به منزله مبنای خدشه‌ناپذیر حاکمیت ملت ایران، دانست که ضامن پاسداری از منافع برخاسته از پیوند متقابل میان نظام داخلی ایران با جامعه بین‌الملل است (لهراسبی، ۱۴۰۱).

لیکن چالشی که در ورای فرایند تصویب یا عدم تصویب معاهدات بین‌المللی در نظام حقوقی کشور ناپیداست مواجهه با الزامات و جوانب قهری معاهداتی است که خواسته یا ناخواسته بر نظام حقوقی کشور تحمیل می‌شوند. اکنون، با گذشت بیش از چهل سال از انقلاب اسلامی ایران، همچنان آثار لازم‌الاجرای معاهدات مغایر با شرع و قانون اساسی در جامعه بین‌المللی و نیز عدم وقوف نهادهای ناظر بر سیر پساتصویب معاهدات از جمله محظوراتی است که بر لایه‌های زیرین نظام حقوقی سایه افکنده است. چه بسا معاهداتی که به تأیید مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان نرسند، لیکن اثر قهری و الزام‌آور آن‌ها همچنان بر دایره تعهدات داخلی و بین‌المللی ایران بماند و چه تعداد معاهداتی که به‌رغم تأیید و پذیرش در نظام داخلی به نحو و نمط دیگری در جامعه بین‌الملل به ثبت رسیده باشند.

نوشتار حاضر در پی توصیف چالش‌های برخاسته از مواجهه نظام حقوقی کشور با معاهدات بین‌المللی است که در سیر فرایند تصویب یا عدم تصویب آنان واجد تحمیل آثار حقوقی و سیاسی ناپیدا در مجامع بین‌المللی می‌شوند.

این تحقیق، در دو بخش، ابتدا به تبیین مبانی مضمحل تعهدات برخاسته از هنجارهای لازم‌الاتباع جامعه جهانی بر دایره نظام حقوقی کشور می‌پردازد و سپس خلأ قانونی رژیم تصویب معاهدات در جمهوری اسلامی ایران را بازگو می‌کند تا از این رهگذر به رفع هر گونه تحمیل تعهد الزام‌آور بر کشور بینجامد. آنچه وجه ممیز این تحقیق را نسبت به سایر آثار پژوهشی دانشگاهی شکل می‌دهد تبیین الزامات و جوانب نامشهود از تلاقی نظام حقوقی کشور با موافقت‌نامه‌های بین‌المللی است که در بطن منابع اصلی و سایر آثار پژوهشی مرتبط تا کنون مورد مذاقه قرار نگرفته است. اگرچه می‌توان به آثاری همچون مقاله سید حسین عنایت با عنوان «تنظیم معاهدات بین‌المللی در حقوق کنونی ایران و مطالعه تطبیقی آن با فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل معاصر» که در مجله حقوقی بین‌المللی ریاست‌جمهوری به چاپ رسیده است یا کتاب خلف رضایی با عنوان موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان آن را به چاپ رسانده است اشاره کرد، مسئله اصلی هر دو اثر بررسی نظام حقوقی معاهدات در قانون کشور و همچنین نحوه تنظیم معاهدات در حقوق کنونی ایران بوده است که با وجود کاوش دقیق معاهدات در کشور جوانب ناپیدای تلاقی معاهدات متضمن عرف بین‌الملل یا چالش فرایند پساتصویب معاهدات از جمله موضوعات پرداخته‌نشده این آثار محسوب می‌شود. از این رو، ضرورت پرداختن به موضوع فعلی اهمیت دوچندان می‌یابد.

۱. تأملی بر اصل نسبی بودن قراردادهای در حقوق بین‌الملل

هر معاهده یا موافقت‌نامه بین‌المللی محصول رضایت و اراده مشترک دو یا چند دولت است که بدان موجب همه آثار و نتایج را متوجه طرفین و متعاهدین می‌کند. اما در این بین نیازهای جامعه بشری، اقتضائات مستحده، یا منافع دول متنفذ دامنه اثر برخی از معاهدات بین‌المللی را به قلمرویی فراتر از تعهدات متعاهدین تسری می‌دهد تا به یک هنجار لازم‌الاجرا نزد جامعه بین‌المللی مبدل شود. بخش حاضر مقاله، در دو گفتار، به احصا و تبیین معاهدات واجد وصف مذکور و طرق و راهکارهای بی‌اثرسازی آن در نظام بین‌الملل می‌پردازد.

۱-۱. تشریح مسئله

همان‌طور که اشاره شد، جایگاه برخی از پیمان‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل به گونه‌ای

است که پذیرش یا عدم پذیرش آن‌ها از سوی دولت‌ها تأثیری بر ماهیت لازم‌الاجرای سند یادشده ندارد و حتی در صورت عدم پذیرش سند اثر حقوقی آن در ارکان جامعه بین‌المللی برای دولت مورد نظر پابرجا باقی خواهد ماند. اگرچه در حقوق بین‌الملل هم، مانند سایر شعب حقوق^۳، بنا بر اصل «نسبی بودن قراردادها»، هر قرارداد اصولاً فقط در ارتباط با متعاقدين معتبر و قابل اجرا است، استثنائاتی مطرح است که قواعد و مفاد منبعث از معاهدات را عمومیت می‌بخشند و وسعت اعتبار معاهده را فراتر از قلمرو دولت‌های عضو قرار می‌دهند.

آن قسم از معاهداتی که واضع یک قاعده عمومی جدید در حقوق بین‌الملل باشند و جنبه عام‌المنفعه داشته باشند، به مرور و خواه ناخواه، بر دولت‌های دیگری که عضو معاهده نیستند اثرگذار می‌گذارند و سایه‌ای از اجبار بر تابعان حقوق بین‌الملل می‌افکنند.^۴

قسمی دیگر از معاهدات، که دامنه اعتبار و تکلیف آن‌ها به خارج از دولت‌های عضو گسترش می‌یابد، قراردادهایی هستند که متضمن قواعد عرفی بین‌المللی‌اند. در این موارد، به صرف تحریر قواعد عرفی در سیاق یک معاهده یا موافقت‌نامه، اثر حقوقی آن‌ها شامل همه تابعان حقوق بین‌الملل می‌شود. در واقع، دلیل این اجبار نه آنکه بسته به وجود قرارداد باشد، بلکه این حقیقت و ماهیت و جایگاه عرف بین‌الملل نزد جامعه جهانی است که این بار قدرت خود را در جلوه معاهده منعکس می‌کند.^۵ نکته قابل تأملی که در این مبحث باید افزود جایگاه قواعد آمره است. قواعد آمره، که در بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی تجلی می‌یابد، آن دسته از قواعدی را گویند که حتی در صورت عدم قید آن در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی طرفین را ملزم به رعایت آن می‌کند (Hannikainen, 1998: 2). بنابراین، اهمیت عمده قاعده آمره از آنجا ناشی می‌شود که همه این هنجارها، که ماهیت حقوق عرفی پیدا کرده‌اند، از تعهدات ناشی از حقوق معاهدات نشئت نمی‌گیرند، بلکه این رویه دولت‌ها و رویه قضایی است که چنین هنجاری را فارغ از مبنای معاهداتی آن شکل داده است (Crawford, 2012: 824). در پرونده‌های مختلف نزد دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان بدون در نظر داشتن مبنای معاهداتی تعهدات، صرفاً بر اساس جایگاه متمایز قواعد آمره، رأی خود را صادر کرده است.^۶

اما دسته دیگری از قراردادها وجود دارند که صرفاً بنا بر مصالح سیاسی و منافع دولت‌های متنفذ بین‌المللی منعقد شده‌اند تا آنان به واسطه اقتدار خود به قرارداد جنبه الزامی بخشند و جامعه بین‌الملل را با خود هم‌سو سازند. در حقیقت، دول متنفذ بین‌المللی با سه هدف «حفظ منفعت»، «قدرت ایجاد تغییر در قرارداد»، و «گذر از موانع سیاسی موجود» ضوابطی را در سطح جامعه بین‌الملل به هنجاری لازم‌الاجرا تبدیل می‌کنند که کاملاً هم‌سو با مصالح اقتصادی و سیاسی و نظامی خود باشد. بنابراین، امروزه توافق دولت‌های پرنفوذ بین‌المللی بر سر

قاعده‌ای مانند قانون برای سایر دول عملاً واجب‌الرعايه می‌شود و تعهد حقوقی برای کشورها شکل می‌گیرد. دستورالعمل‌های ۴۹گانه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) یا رژیم کنترل فناوری موشکی (MTCR)، که اساس هجمه‌ها علیه برنامه موشکی ایران است^۷، کاملاً اسنادی هستند که با هدف تأمین منافع دول پرنفوذ تهیه و تنظیم شده‌اند و با پیوستن چندین کشور دنباله‌رو روی‌گردانی از آن سبب نقض تعهد و مسئولیت بین‌المللی خواهد شد.

به موازات تعمیق روابط میان دولت‌ها، قلمرو نفوذ چنین معاهدات و اسنادی گسترش یافته و موضوعات بنیادین روابط بین‌الملل را در بر گرفته است. بنابراین، بجاست که معاهدات مزبور را به مثابه قواعد اساسی حقیقی جامعه بین‌الملل در نظر بگیریم.

عدم تأیید یا تصویب موافقت‌نامه‌های سه‌گانه یادشده در نظام حقوقی کشور، عملاً، تأثیر چندانی بر استقرار تعهدات لازم‌الاجرای ایران در جامعه بین‌الملل ندارد. مضاف بر اینکه مسکوت ماندن جایگاه عرف بین‌المللی و نحوه اجرای تعهدات برخاسته از آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش بر این چالش افزوده است.

اما در این بین چگونگی اثر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مصوب پیش از انقلاب اسلامی بر دایره تعهدات جمهوری اسلامی ایران نیز از چالش‌های مطرح در نظام حقوقی کشور است که واجد آثار حقوقی متعدد در سطوح داخلی و بین‌المللی است. سکوت نظام حقوقی کشور در مواجهه با معاهدات بین‌المللی، که ایران پیش از انقلاب اسلامی به عضویت آن درآمده است، را باید مبتنی بر آموزه‌های حقوق بین‌الملل تفسیر کرد. از این حیث، تغییرات داخلی بر مناسبات حقوقی بین‌المللی کشورها، از جمله موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، اثری ایجاد نخواهد کرد و همین امر، که به نام «اصل تداوم دولت» در حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود، به طور ضمنی در رویه جمهوری اسلامی ایران مورد پذیرش قرار گرفته است.^۸ اسناد بین‌المللی متعددی - از جمله میثاقین بین‌المللی حقوق بشر، عهدنامه مودت ۱۹۵۵ میان ایران و آمریکا، کنوانسیون حقوق پناهندگان، و سایر موارد - که به‌رغم تعهدزا بودن آن به حیات حقوقی خود بعد از انقلاب اسلامی ادامه دادند مبین پذیرش اصل تداوم دولت در سلوک سیاست خارجی حکومت جمهوری اسلامی ایران است که بر استقرار تعهدات لازم‌الاجرای ایران در جامعه بین‌الملل می‌انجامد.

لیکن، نکته حائز اهمیت در این میان مواجهه با اسناد بین‌المللی است که حتی به‌رغم عدم تصویب یا پذیرش آن در نظام حقوق داخلی ایران مفاد آن توسط دولت و بدون رعایت مناسبات اصل ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی در سطح بین‌الملل به اجرا گذارده می‌شوند. مثال واضح این گزاره را می‌توان اجرای «توافق‌نامه پاریس»^۹ توسط دولت یازدهم دانست که با وجود عدم

ارائه لایحه الحاقی آن به مجلس و طی تشریفات قانون اساسی تعهداتی از جانب دولت مبنی بر رعایت مفاد عهدنامه به دبیرخانه کنوانسیون تغییرات آب‌وهوای سازمان ملل ارائه شد.^{۱۰} توافق‌نامه پاریس، که رژیم حقوقی بین‌المللی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به شمار می‌رود، مطابق بند ۲ ماده ۴ خود از متعهدین می‌خواهد با تنظیم «سند مشارکت تعیین‌شده ملی»^{۱۱} (NDC) میزان کاهش گازهای گلخانه‌ای خود را طی پنج سال اعلام دارند. اما دولت وقت جمهوری اسلامی ایران بدون تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، مبنی بر الحاق به عهدنامه مزبور، سندی تحت عنوان «برنامه مد نظر مشارکت ملی ایران» را در سال ۱۳۹۴ در هیئت دولت تصویب^{۱۲} کرد و همان را به عنوان سند مشارکت تعیین‌شده ملی کشور جمهوری اسلامی ایران، مطابق ماده ۴ توافق‌نامه، به ثبت دبیرخانه کنوانسیون تغییرات آب‌وهوای سازمان ملل رساند تا در زمینه کاهش ۴ درصدی گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۳۰ ابراز تعهد و همکاری کند.^{۱۳}

بر این اساس، عدم تصویب و پذیرش اسناد بین‌المللی در نظام داخلی حقوق ایران را نیز نمی‌توان به منزله رفع اثر حقوقی برخاسته از اسناد مذکور دانست. گاه این جامعه بین‌الملل است که به واسطه اقتضائات ناشی از عرف بین‌الملل و قواعد آمره، قهراً، تعهداتی را بر دامنه تعهدات بین‌المللی کشور تحمیل می‌کند و گاه این دولت است که خود را عامدانه یا سهوی در چنین ورطه زیان‌آوری قرار می‌دهد. بدین منظور یکی از پیش‌نیازهای اساسی آسیب‌شناسی نظام حقوق بین‌الملل معاهدات کشور وقوف بر چنین جوانب مستتری از بطن مفاهیم حقوق بین‌الملل معاهدات است که در این مبحث بدان پرداخته شد. در مبحث آتی، سازوکارهای بدون اثر ساختن تقبل چنین ضمانتی مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

۱-۲. تدوین نظام کنش و واکنش در رویه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

اساساً آنچه می‌تواند تعهدات برخاسته از اسناد یادشده را از دایره تعهدات بین‌المللی ایران ساقط کند ثبت مخالفت و اعتراض دائم کشور جمهوری اسلامی ایران در قالب ادعا و ادعای متقابل (پاسخ)^{۱۴} نزد ارکان جامعه بین‌الملل، جهت ثبت یک رویه بین‌المللی، است. اعتراض یک دولت به اقدام یا تصمیم ارکان جامعه بین‌المللی، نظیر وضع معاهده، دلالت بر این دارد که دولت اعتراض‌کننده اقدام یا تصمیم مورد اعتراض را از نظر حقوق بین‌الملل غیرقانونی تلقی می‌کند (Lauterpacht, 2011: 286). هدف دولت اعتراض‌کننده از تنظیم و ابلاغ اعتراض، در وهله نخست، این است که هر گونه رضایت ضمنی به آنچه مورد اعتراض واقع شده را منتفی سازد (Lindley, 1969: 216). افزون بر این، اعتراض بدین معناست که دولت اعتراض‌کننده آثار حقوقی اقدام یا تصمیم مورد اعتراض را به رسمیت نمی‌شناسد و آن را در مقابل خود نافذ و قابل استناد نمی‌داند.

همچنین، دولت اعتراض‌کننده اعتراض خود را محملی برای اتخاذ تدابیر دیگر جهت مقابله یا رفع آثار اقدام یا تصمیم مورد اعتراض قلمداد می‌کند (MacGibbon, 1953: 297).

بر این اساس، فقدان توجه به مؤلفه اعتراض دائم و مستمر جمهوری اسلامی ایران را قهراً به سمت اجرای معاهدات مغایر با شرع یا قانون اساسی که به آن‌ها نپیوسته است یا حق شرط‌هایی را - احياناً جهت رفع ایرادات شورای نگهبان - بر آن‌ها اعمال کرده است سوق می‌دهد که رویه مشابه آن در جامعه بین‌المللی قابل مشاهده است. مثلاً دولت کلمبیا در پرونده هایتا دولاتتوره، به‌رغم عدم عضویت در معاهده ۱۹۱۱ استرداد مجرمین، بر اساس رأی دیوان بین‌المللی دادگستری، موظف به تحویل هایتا دولاتتوره به دولت پرو بود و به جهت فقدان عنصر مادی و معنوی اعتراض دائم، اساساً، دولت کلمبیا نتوانست تعریف خود از جرم را اثرساز و برخلاف معاهده لازم‌الاجرای یادشده جلوه دهد. بنابراین، ایجاد یک رویه در سطح جامعه بین‌الملل، که با ثبت اعتراض مستمر از طریق عملکرد یا بیانیه یا مکاتبات دیپلماتیک قابل تحقق است، تعمیم اجباری موافقت‌نامه‌های بین‌المللی را بر دایره تعهدات بین‌المللی کشور به حداقل ممکن می‌رساند (رنجبریان و صیرفی، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

با این حال، مادامی که رویه دولت جمهوری اسلامی ایران با ثبت اعتراض و مواضع دائم نزد تابعان حقوق بین‌الملل محرز نشود، همچنان آثار قهری و واجب‌الرعاية معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی بر دامنه تعهدات ملی و فراملی کشور سایه می‌افکند. الزام به ثبت رویه یا اعتراض جمهوری اسلامی ایران به مفاد اسناد لازم‌الاتباع یادشده نزد ارکان جامعه بین‌المللی، که مانند سایر کشورها در سیاق گزارش‌های سالیانه نمود پیدا می‌کند، می‌تواند به تدوین و شکل‌گیری رویه دولت ایران نزد تابعین حقوق بین‌الملل منجر شود که این مهم را می‌توان طی الزامی در طرح یا لایحه قانونی توسط دولت یا مجلس شورای اسلامی یا وفق اصلاح آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات بین‌المللی برآورده ساخت.^{۱۵}

این مهم، علاوه بر اینکه رکن مادی نظام واکنش در حقوق بین‌الملل جهت اسقاط اثر قهری معاهدات را محقق می‌سازد، یک سابقه منفرد از سلسله هنجارهایی که مستعد اثرگذاری بر دولت ایران نیستند را ایجاد خواهد کرد تا با اعانت از رکن مؤثر دیگر در تثبیت رویه کشور در جامعه بین‌المللی، که همان اعتقاد به پذیرش یا عدم پذیرش تصمیمات حقوقی لازم‌الاتباع در سطح فراملی است و در قاعده OPINIO JURIS نمود پیدا می‌کند^{۱۶}، آثار حقوقی اقدام مورد کنش را از قابلیت نفوذ و استناد مضمحل سازد.

جمهوری اسلامی ایران در موارد مهمی، از جمله موضوع موشک‌های بالستیک، با به‌کارگیری این قاعده در سیاست خارجی خود، مشروعیت بهره‌مندی کشور از فناوری موشکی

را مسجل ساخته است. بدین منظور دولت ایران با ثبت مخالفت و اعتراض دائم خود به رژیم کنترل فناوری موشکی، که به‌رغم عدم عضویت ایران در آن همواره مبنای هجمه علیه برنامه موشکی ایران بوده است^{۱۷}، اساساً، هر گونه شرایط لازم برای صحت قاعده‌گذاری این رژیم بر مواضع ایران را منتفی کرد. زیرا اساس الزام دولت‌ها به یک‌دیگر در حقوق بین‌الملل هنگامی است که رضایت آن دولت به طور خاص با عملکرد و رویه خود محرز شده باشد (Lepard, 2010: 123) و دولت ایران توانست با ثبت رویه خود در قالب ادعاهای متقابل که علیه برنامه موشکی کشور مطرح بوده است در برابر این مهم واکنش مستمر حقوقی داشته باشد. بدین حیث، از مجموع ۱۹ ادعایی که ایالات متحده آمریکا، سه کشور اروپایی (فرانسه، آلمان، انگلیس)، و رژیم صیہونیستی علیه برنامه موشکی ایران مطرح کردند و به موجب ضابطه رژیم کنترل فناوری موشکی موشک‌های بالستیک ایران هسته‌ای قلمداد شده‌اند^{۱۸} جمهوری اسلامی ایران تا به امروز هیچ‌یک از ادعاهای طرف‌های نام‌برده را بدون پاسخ نگذاشته است و در مقام ادعای متقابل ۱۷ نامه به شورای امنیت یا دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال کرده و در همه موارد اعتراض خود را به رژیم و ضابطه آن اعلام کرده است و آن را فاقد جایگاه حقوقی در جامعه بین‌المللی دانسته است.^{۱۹} بنابراین، استناد به ضابطه رژیم که ایران هیچ‌گاه عضو آن نبوده، ولیکن مبنای هسته‌ای خواندن موشک‌های بالستیک ایران در جامعه بین‌الملل محسوب می‌شده است، با مخالفت دائم ایران همراه شد که باعث تثبیت حق اساسی در بهره‌مندی از توان موشکی شد.

۲. عدم ترتیب اثر حق تحفظ معاهدات مصوب جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل

یکی از ابهاماتی که همواره متوجه نظام حقوقی کشور بوده بررسی و رصد اعمال قیود تحفظ بر معاهداتی است که به علل مختلف ارائه یا مورد پذیرش امین معاهده واقع نشدند. در این بخش از تحقیق، حق شرط یا اعلامیه‌های تفسیری معاهدات یا کنوانسیون‌هایی بررسی می‌شوند که به‌رغم وجود قید تحفظ از جانب جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه ارائه یا مورد پذیرش امین معاهده (که در این مقاله صرفاً دبیرخانه سازمان ملل متحد بوده‌اند) واقع نشده‌اند.

۲-۱. تبیین مباینات تصویب معاهدات بین‌المللی در داخل و خارج

تحمیل الزامات قهری معاهدات زمانی است که چنین اسنادی با لحاظ قیودات و تحفظات مورد تأیید مجلس و شورای نگهبان به تأیید رسند، اما، نزد دبیرخانه یا امین معاهده به نحو دیگری ارائه یا مورد پذیرش واقع شوند. در واقع، با فرامرزی بودن اغلب پدیده‌ها در دنیای کنونی، که به سوی جهانی شدن پیش می‌روند، گه‌گاه شماری از تصمیم‌های ملی به فراخور اقتضات

بین‌المللی اتخاذ و اعمال می‌شوند. از طرف دیگر، مصالح ملی و منافع نهفته در پرتو شرع و قانون اساسی می‌طلبد که در قبول تعهدات بین‌المللی جوانب احتیاط مراعات شود (ساعد، ۱۳۹۴: ۱۸۸). در نتیجه، با توجه به اینکه در مفاد بسیاری از معاهدات و موافقت‌نامه‌ها ابهامات و گریزهایی وجود دارد که برخی کشورها با تدقیق در آن‌ها به فکر چاره‌جویی برای به حداکثر رساندن منافع ملی خود هستند، بایسته است با اتخاذ اقدامات مناسب حقوقی درصدد استفاده از موقعیت‌ها بود (راعی دهقی، ۱۳۹۰: ۱ - ۴۰). بنابراین، اعمال حق شرط (تحدید تعهد) در خصوص مفادی که احتمال مغایرت آنان با موازین اسلامی و اصول قانون اساسی می‌رود ضرورت می‌یابد. بدین ترتیب، هر یک از دولت‌ها در برابر معاهده‌ای که موضوع و هدف و محتوای آن را مجموعاً، به استثنای برخی مقرراتش، شایسته و مناسب می‌بینند می‌توانند رضایتشان به عضویت در سند مزبور را در ازای بخشیدن معنای مورد قبول خود به مفاد معاهده متجلی سازند تا پذیرش معاهدات تسهیل شود (کک دین و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۸۶).

لیکن در این میان چه‌بسا موافقت‌نامه یا کنوانسیون به صرف اعمال حق شرط به تصویب نهاد ذی‌صلاح داخلی رسیده باشد، ولیکن، هنگام تبادل اسناد و ثبت معاهده نزد امین یا دبیرخانه، حق شرط مورد نظر توسط دولت به امین معاهده ارائه نشده باشد.

موضوع مربوط در شماری از معاهدات بین‌المللی، که جمهوری اسلامی ایران تاکنون بدان پیوسته است، ملاحظه می‌شود و میان متن و حق شرط اعلام‌شده به شورای نگهبان و سند ارائه‌شده از سوی دولت به امین معاهده تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد که به علت نبود ساختار نظارتی در فرایند تصویب و الحاق اسناد بین‌المللی اطلاعاتی از فرایند پساتصویب داخلی معاهدات صورت نمی‌گیرد. در ادامه به نمونه‌هایی برجسته از معاهداتی پرداخته می‌شود که با وجود تأیید آن همراه حق شرط، در اسناد ارائه‌شده به دبیرخانه و امین معاهده، نه‌تنها تصریحی به حق تحفظ‌های اعلامی ایران صورت نگرفته است، بلکه مفادی خارج از وقوف و اطلاع نهادهای ذی‌صلاح داخلی، به عنوان اعلامیه تفسیری ایران، در معاهده به ثبت رسیده است.

در اولین مورد می‌توان به حق شرط ایران در «کنوانسیون میناماتا در مورد جیوه»^{۲۰} اشاره کرد که وفق نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۲۶۸۷ در تاریخ ۱۳۹۴/۰۶/۰۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. با مراجعه به تبصره ۲ ماده واحده این کنوانسیون، رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای ارجاع هر گونه اختلاف به داوری در اجرای ماده ۲۵ کنوانسیون و رعایت اصل ۷۷ قانون یادشده برای هر گونه اصلاح کنوانسیون یا پیوست‌های آن در اجرای مواد ۲۶ و ۲۷ کنوانسیون، به عنوان حق شرط جمهوری اسلامی ایران، در نظر گرفته شده بود. اما به موجب ثبت این سند در دبیرخانه کنوانسیون، که در تاریخ ۱۳۹۶/۰۳/۲۶ انجام شد، هیچ‌گونه

اشاره‌ای به تحفظ ایران در ارتباط با مواد ۲۶ و ۲۷ کنوانسیون نشد. همچنین، موضوع ماده ۲۵ این کنوانسیون، که منوط به رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی شده بود، جزء قیود تحفظ جمهوری اسلامی ایران قرار نگرفت. مضاف بر آن، مفادی بدون اطلاع و تصویب مجلس و شورای نگهبان، به عنوان اعلامیه تفسیری ایران، به دبیرخانه کنوانسیون اعلام شد که در پانویس قابل مشاهده است.^{۲۱}

نکته قابل تأمل آن است که با توجه به حق شرط‌های پذیرفته شده دولت‌های دیگر در این کنوانسیون، نظیر ارمنستان و استرالیا، اعمال حق شرط‌های ماده ۲۵ کنوانسیون هیچ‌گونه ممانعت و مغایرتی با هدف و ماهیت کنوانسیون نداشت که مورد پذیرش واقع نشد.^{۲۲} در واقع، کارایی و اثر تصریح به رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی در معاهدات بین‌المللی از جمله در این سند، که مغفول ماند، مانع از ارجاع اجباری اختلاف به محاکم بین‌المللی خواهد شد. اشارات صریح یا ضمنی به لزوم رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی در ماده واحده اسناد تصویب معاهدات، که نوعی اقدام به تحفظ یک‌جانبه از سوی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شود، هر گونه ارجاع اختلاف به داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری را منوط به تصمیم ایران می‌سازد و دول عضو معاهده نمی‌توانند از مفاد آن سند بدون رضایت ایران در محاکم بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی اقامه دعوی کنند.

در غیاب تصریح به ضرورت اخذ مجوز اصل ۱۳۹ در متن معاهده، اصل محترم شمردن تمامیت معاهدات مطلقاً حاکمیت پیدا می‌کند و تصمیم به ارجاع اختلاف به محاکم بین‌المللی، صرف‌نظر از رضایت ایران، در زمره تعهد لازم‌الاتباع جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد که خلاف قانون اساسی است.

بنابراین، با وجود ضرورت انکارناپذیر پیش‌بینی و قید چنین حق تحفظی از جانب ایران در معاهدات بین‌المللی، به وضوح در اسناد قابل دسترسی که ایران بدان پیوسته است، مانند کنوانسیون میناماتا، هیچ‌گونه لزومی به تصریح چنین تحفظی از جانب دولت دیده نمی‌شود که به نظر می‌رسد قابل تأمل است.

مورد دیگر مربوط به لایحه الحاق به «موافقت‌نامه بین‌دولتی بنادر خشک»^{۲۳} است که طی نظریه شماره ۹۴/۱۰۲/۵۸۲۳ مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۹۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. مطابق نظر اخیر، مواد ۷ و ۸ و ۹ و ۱۳ موافقت‌نامه مورد تحفظ از سوی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شد که وفق تبصره ۱ حل‌وفصل اختلافات موضوع ماده ۱۳ این موافقت‌نامه منوط به رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی شد. همچنین طی تبصره ۲ هر گونه اصلاحات بعدی موضوع مواد ۷ و ۸ و ۹ این موافقت‌نامه منوط به رعایت اصل ۷۷ قانون اساسی و تصویب مجلس

شورای اسلامی ایران شد. اما تنها حق شرط ارائه شده از سوی دولت در تاریخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۱، صرفاً اختصاص به ماده ۱۳ موافقت‌نامه داشته و موضوع مواد ۷ و ۸ و ۹ پیمان جزء هیچ‌یک از حق شرط‌های جمهوری اسلامی ایران قرار نگرفته است.^{۲۴}

لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی^{۲۵} نیز از دیگر مواردی است که با ارائه حق شرط‌های کامل ایران به دبیرخانه کنوانسیون همراه نشده است. تبصره ۱ ماده واحده کنوانسیون جزءهای «ت» و «ث» بند ۱ ماده ۲ این سند را از سوی جمهوری اسلامی ایران قابل اعمال نمی‌داند و تبصره ۲ کنوانسیون اجرای مواد ۲۰ و ۲۱ سند یادشده را فقط با رعایت اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه می‌داند. طی اعلامیه ایران نزد امین کنوانسیون، صرفاً حق شرط جزءهای «ت» و «ث» ماده ۲ از سوی دولت ایران به دبیرخانه اعلام شده است و موضوع مواد ۲۰ و ۲۱ این کنوانسیون از سوی دولت ایران به عنوان حق شرط ارائه (یا پذیرفته) نشده است.^{۲۶}

موافقت‌نامه حمل و نقل بین‌المللی مواد غذایی فسادپذیر و تجهیزات خاص کاربردی برای این‌گونه جابه‌جایی‌ها^{۲۷} در تاریخ ۱۳۹۹/۰۳/۰۷ به تأیید شورای نگهبان رسید که طی حق شرط ایران موضوع بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۵ موافقت‌نامه مشروط به رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدین شرح شده بود: «... تبصره ۱ ماده واحده. جمهوری اسلامی ایران، طبق بند ۱ ماده ۱۶ موافقت‌نامه، خود را ملزم به ترتیبات موضوع بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۵ آن در خصوص ارجاع به داوری هر گونه اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای آن، که از طریق مذاکره حل و فصل نشود، نمی‌داند. ارجاع اختلاف به داوری صرفاً در صورت رضایت کلیه طرف‌های اختلاف و با رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی ممکن می‌باشد. دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در هر مورد که ارجاع به داوری را برای حل و فصل هر اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای موافقت‌نامه به مصلحت بداند، با رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی، طبق قوانین مربوط اقدام نماید...» حال آنکه مطالعه سند تصویب ارائه شده نزد امین معاهده نشان از آن دارد که در این سند به حق تحفظ در نظر گرفته شده در ماده ۱۵ موافقت‌نامه هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است.^{۲۸}

لایحه الحاق دولت به پروتکل ریشه‌کنی تجارت غیرقانونی محصولات دخانی^{۲۹} نیز یکی دیگر از مواردی است که همراه حق شرط در اجرای مواد ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ این پروتکل، مبنی بر رعایت اصل ۷۷ و ۱۳۹ قانون اساسی، در تاریخ ۱۳۹۴/۰۶/۰۴، به تأیید شورای نگهبان رسید. لیکن اسناد موجود مبین آن است که هنگام ثبت سند تصویب پروتکل، که در تاریخ ۱۳۹۷/۰۶/۰۵ صورت گرفت، اشاره‌ای به حق تحفظ جمهوری اسلامی ایران نشده است.^{۳۰}

در لایحه الحاق به موافقت‌نامه بین‌المللی روغن زیتون و کنسرو زیتون^{۳۱}، که در تاریخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۳ به تأیید شورای نگهبان رسید، بند ۴ ماده ۲۶ و همچنین ماده ۳۲ این موافقت‌نامه منوط به رعایت اصول ۷۷ و ۱۳۹ قانون اساسی شد. متعاقباً در ثبت سند تصویب معاهده نزد امین، که در تاریخ ۱۳۹۷/۰۸/۰۲ صورت پذیرفت، تصریحی به قید تحدید تعهد جمهوری اسلامی ایران در مواد ۲۶ و ۳۲ موافقت‌نامه صورت نگرفت و حق تحفظ ایران نزد دبیرخانه اعلام (یا پذیرفته) نشد.^{۳۲}

نهایتاً موافقت‌نامه چارچوب تسهیل تجارت بدون کاغذ فرامرزی در آسیا و اقیانوسیه^{۳۳} را می‌توان از جمله لوایحی دانست که حق شرط مصرح آن اعمال نشد. به موجب تبصره‌های ۱ و ۲ ماده واحده، موضوع مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۷ و ۲۰ این موافقت‌نامه در گرو اجرا و رعایت اصول ۷۷ و ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود که طبق آخرین نسخه رسمی اسناد تصویب هیچ‌گونه اعلامیه و حق شرطی در این خصوص ارائه (یا پذیرفته) نشده است.^{۳۴}

۲-۲. الزامات مطابقت معاهدات بین‌المللی مبتنی بر نظام تصویب داخلی

موارد یادشده صرفاً روایتگر گوشه‌ای از یک خلأ مستور در بطن نظام حقوقی کشور است که در این بخش مقاله به ارائه راهکارهای واجد اثر حقوقی جهت رفع آسیب موجود خواهیم پرداخت.

نخست آنکه اشکال فعلی سازوکار موجود را می‌توان عدم اطلاع از مراحل پساتأیید معاهده در نظام داخلی کشور دانست. در واقع، هیچ نهاد ناظری، اعم از مجلس یا شورای نگهبان، از سند تصویبی که نزد امین معاهده یا دبیرخانه کنوانسیون ارائه می‌شود مطلع نیست و این مهم عامل مغایرت میان مفاد سند مصوب در داخل و محیط بین‌الملل است. شماری از کشورها، از جمله فرانسه، آیین کار مدونی را، جهت تدوین سند تصویب، تهیه و تنظیم کرده‌اند تا مفاد معاهده ثبت‌شده در دبیرخانه کنوانسیون منطبق بر آن چیزی باشد که در نظام داخلی کشور به تصویب رسیده است.

این سند در فرانسه بدین شکل تنظیم و ارائه می‌شود (کک‌دین و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۱۶):

«... رئیس‌جمهور فرانسه بر همه کسانی که نامه‌های حاضر را خواهند دید درود می‌فرستد.

ما، با ملاحظه و بررسی معاهده یادشده، به موجب مقررات مندرج در آن و مطابق ماده ۵۲

قانون اساسی، همه آن و هر یک از اجزای آن را تصدیق کرده‌ایم و تصدیق می‌کنیم.

(متن کامل اعلامیه‌ها و حق شرط ملحق به قرارداد)

ما اعلام می‌کنیم این معاهده پذیرفته شده، به تصویب رسیده، و تأیید شده است و متعهدیم

که بدون هیچ‌گونه تخطی بدان عمل خواهد شد.

با اطمینان به این امر، متن حاضر را ممهور به مهر جمهوری کرده‌ایم.»
چنانچه تصویب معاهدات یا کنوانسیون‌های بین‌المللی مشروط به ارائه سند تصویب معاهده نزد امین شود، که معمولاً توسط دولت یا سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌های متبوع صورت می‌گیرد، احتمال اختلاف میان مفاد مصوب معاهده در حوزه داخلی و بین‌المللی به حداقل می‌رسد. شاید بتوان با چینش سازوکاری مطلوب (اعم از اصلاح آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقی‌های بین‌المللی یا مصوبه قانونی) ارائه سند تصویب معاهده را جهت اطلاع نهادهای ناظر الزامی کرد. به هر ترتیب، بایسته است خلأ موجود در تصویب معاهدات بین‌المللی به نحوی پوشش داده شود تا ایراد مزبور مرتفع شود.

راهکار دیگر تدقیق و ملاحظه «اعلامیه‌های تفسیری (مشروط)»^{۳۵} است که اساساً هیچ‌گونه الزامی به ارائه مفاد آن از جانب دولت به مجلس یا شورای نگهبان وجود ندارد و فقط هنگام تودیع اسناد تصویب نزد امین معاهده می‌توان از مفاد آن مطلع شد. صدور اعلامیه‌های تفسیری به‌خصوص هنگامی اهمیت دوچندان می‌یابد که پذیرش حق شرط از جانب دول در معاهدات نهی شده باشد تا بدین وسیله حق تحفظ را ملحوظ نگاه داشت. این موضوعی است که به شکل نانوشته در سیر فرایند تصویب معاهدات نهفته مانده است و در پیمان‌های فاقد اعمال حق شرط می‌توان از آن بهره جست. مثلاً حق تحفظ به موجب ماده ۳۰۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای منع شده است؛ لیکن طی ماده ۳۱۰ همین کنوانسیون جواز صدور اعلامیه تفسیری به اعضا داده شده که پنجاه و پنج کشور از آن بهره برده‌اند.^{۳۶}

با وجود این، اگرچه طبق تبصره ۲ ماده ۸ آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقی‌های بین‌المللی دستگاه مسئول موظف است در معاهداتی که در آن حق شرط ممنوع شده به تهیه و تنظیم اعلامیه‌های تفسیری اقدام کند تا موضع جمهوری اسلامی ایران معین شود، در عمل، به علت عدم هر گونه الزام به ارائه چنین سندی به مجلس یا شورای نگهبان از جانب دولت یا اطلاع از مفاد آن، جمهوری اسلامی ایران مکرراً از کاربرد چنین ظرفیتی بی‌بهره مانده است.

در نهایت، فعال ساختن فرصت استعلام از رکن صالح معاهده و ذی‌صلاح سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان آخرین سازوکاری دانست که از مغایرت مفاد مصوب معاهده در نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی جلوگیری به عمل می‌آورد. معمولاً در معاهدات سند مؤسس سازمان‌های بین‌المللی اعمال تحفظ مستلزم پذیرش رکن صالح این سازمان است. با این حال، در برخی معاهدات (اکثراً حقوق بشری) پیش‌بینی مشروعیت و پذیرش اعمال حق شرط با رکن نظارت و کنترل تعهدات معاهده است که وظیفه ارزیابی قیود تحفظ را عهده‌دار می‌شود.

بنابراین، قبل از تصویب نهایی معاهده از سوی شورای نگهبان، می‌توان با اخذ نظر و مکاتبات دیپلماتیک با سازمان یا رکن نظارتی مربوطه از پذیرش و ارائه حق شرط‌های جمهوری اسلامی ایران مطمئن شد.

نتیجه‌گیری

مواجهه جمهوری اسلامی ایران با معاهدات بین‌المللی در دو سیاق نمود پیدا می‌کند که از یک منظر آثاری را قهراً بر دایره تعهدات فراملی کشور تحمیل می‌کند و از منظری دیگر به علت فقدان سازوکار نظارتی و اطلاعی باعث تبدیل اثر ناخواسته معاهدات در جامعه بین‌الملل می‌شود. آنچه بایسته توجه است لزوم تدوین مکتوب نظام کنش و واکنش در رویه بین‌المللی کشور است تا بدان موجب تحمیل اثر معاهدات برخاسته از عرف به حداقل برسد. واکنش در سلسله مراتب هنجارین حقوق بین‌الملل آثار حقوقی اقدام مورد کنش را از قابلیت نفوذ و استناد ساقط می‌کند. تدوین نظام کنش و واکنش در عرصه حقوق بین‌الملل مستلزم احراز دو رکن اثرگذار در شکل‌گیری این واقعه است. رکن اول، که خود رکنی مادی است، موضع‌گیری‌های مستمر مأموران سیاسی و دیپلماتیک دولت در جریان رسیدگی‌های قضایی یا بیانات و اعلامیه‌های آنان در صحن سازمان‌های بین‌المللی را اصلی‌ترین منبع مدون‌سازی پذیرش یا عدم پذیرش یک هنجار بین‌المللی می‌داند که تکرار و اصرار بر آن شرط استحکام و استواری سلوک بین‌المللی دولت‌هاست. بنابراین، یک سابقه منفرد از چنین سلسله هنجاری هیچ‌گاه مستعد ایجاد یک رویه قاعده‌ساز نخواهد بود. اما رکن دیگر مؤثر در تثبیت رویه بین‌المللی کشور اعتقاد به پذیرش یا عدم پذیرش تصمیم حقوقی در پس هر گونه اعمال و تکرار کنش و واکنش است که در قاعده *OPINIO JURIS*^{۳۷} نمود پیدا می‌کند.

فقدان سازوکار نظارتی در سیر مراحل پساتصویب از جمله اشکالات واضح و برجسته نظام حقوقی کشور است. بنابراین، ارائه سند تصویب اعلامی به دبیرخانه کنوانسیون به ارکان ذیصلاح داخلی، صدور اعلامیه‌های تفسیری (مشروط) در موارد ممنوعیت حق شرط در معاهدات، و همچنین استعمال نظر از رکن صلاح کنوانسیون در چگونگی پذیرش حق شرط جمله فروض و الزاماتی است که خلأ موجود را پر و از آسیب‌پذیری و تحمیل ناخواسته تعهدات جلوگیری به عمل می‌آورد.

یادداشت‌ها

۱. ماده ۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷: «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.»
۲. اصل ۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.»
۳. ماده ۱۹۶ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷: «معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم‌مقام قانونی آن‌ها مؤثر است؛ مگر در مورد ماده ۱۹۶.»
۴. در پرونده پرو علیه کلمبیا، رهبر شورشیان نظامی پرو (ویکتور راتول هایتا دولاتوره) به سفارت کلمبیا در این کشور متواری شد و به دنبال آن کلمبیا به تعریف جرم بر اساس مفهوم پناهندگی پرداخت و به این شخص پناهندگی سیاسی اعطا کرد. کلمبیا، طبق تعریف خود، بر آن بود که شخص مورد استرداد یک پناهنده سیاسی است و از استرداد آن به پرو خودداری کرد. متعاقب آن، دولت پرو طی دادخواستی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای استرداد شخص مورد نظر را کرد و دیوان در سال ۱۹۵۱ رأی خود را مستند به اصول کلی حقوقی و منبعث از معاهده ۱۹۱۱ استرداد به سود پرو صادر کرد. بر اساس اصول مسلم حقوقی و با اِبتنای بر معاهده استرداد ۱۹۱۱، کلمبیا، به‌رغم عدم عضویت در معاهده یادشده، موظف به استرداد شخص مورد نظر به دولت پرو بود و اساساً نمی‌توانست تعریفی از جرم طبق تفسیر خود ارائه دهد (ICJ Reports, 1951: 81).
۵. مثلاً دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای فلات قاره دریای شمال این اصل قبول داشت که مبنای تعهد آلمان به کنوانسیون فلات قاره، راجع به اصل خط میانه، نه بر اساس ارزش قراردادی این کنوانسیون، بلکه جایگاه و ماهیت عرفی مفاد کنوانسیون است؛ که به‌رغم عدم عضویت آلمان در آن اثر لازم‌الاجرای کنوانسیون بر این کشور مترتب است (ICJ Reports, 1969: para. 63).
۶. دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا ممنوعیت تجاوز را فارغ از منشأ معاهداتی آن جزء قواعد آمره قلمداد کرد (ICJ Reports, 1986: para. 14). همچنین این محکمه در قضیه تیمور شرقی اصل تعیین سرنوشت را از دیگر هنجارهای نام‌برده دانست که قهراً بر همه اعضای جامعه بین‌الملل قابل تحمیل است (ICJ Reports, 1955: para. 29).
۷. اساس هجمه علیه برنامه موشکی بالتستیک جمهوری اسلامی ایران ضابطه‌ای است که رژیم فناوری موشکی برای موشک‌های قادر به حمل سلاح‌های هسته‌ای اعمال می‌کند. به ظن این رژیم، سامانه‌های موشکی با برد حداقل ۳۰۰ کیلومتر، که قادر به حمل کلاهک‌هایی با وزن بیش از ۵۰۰ کیلوگرم باشند، موشک‌های قادر به حمل سلاح هسته‌ای شناخته می‌شوند. هرچند در ابتدا ممکن است این فرضیه متصور شود که اعمال ضابطه فوق فقط باید در چارچوب و در جهت ایفای وظایف این رژیم به کار بسته شود، کشورهای غربی ادعای جهان‌شمولی معیار یادشده را دارند و به این ضابطه جهت هسته‌ای خواندن موشک‌های بالتستیک ایران در سطح ارکان‌های بین‌المللی، از جمله شورای امنیت، استناد می‌کنند. این در حالی است که ضابطه فوق حاصل تصمیم یک نهاد انحصاری با هدف کنترل صادرات، آن هم در خارج از چارچوب سازمان ملل متحد، است که تعداد اعضای آن



حتی یک‌چهارم کشورهای جهان را هم شامل نمی‌شود. این وضعیت نشان می‌دهد به‌رغم اینکه سند سیاسی یادشده فاقد جایگاه حقوقی نزد غیر متعاهدین است، به دنبال ایجاد ضوابط واجب‌الرعايه در سطح جهان جهت تثبیت یک رویه بین‌المللی در خصوص مسئله موشکی است. مثلاً ایالات متحده در آخرین نامه خود به شورای امنیت ضابطه این رژیم را دستاویزی برای هسته‌ای خواندن موشک‌های بالستیک ایران دانست و حتی پرتاب ماهواره بر قاصد را وسیله‌ای برای حمل تسلیحات اتمی قلمداد کرد (امین‌زاده و لهراسبی، ۱۴۰۰: ۱۵۱).

۸. زیرا طبق این قاعده این دولت است که تابع حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شود و حکومت‌ها (پیش یا پس از انقلاب) صرفاً در مقام نماینده دولت عمل می‌کنند. در واقع، این دولت است که به عضویت در یک معاهده بین‌المللی درمی‌آید نه حکومت (Noonan, 1984: 302).

9. Paris Agreement

۱۰. شورای نگهبان طی نظریه ۹۵/۱۰۰/۳۲۲۰ بررسی و اظهارنظر در خصوص این موافقت‌نامه را منوط به ارائه سند مشارکت تعیین‌شده ملی می‌کند و ایراد ابهام را وارد می‌سازد.

11. nationally determined contributions

۱۲. جهت مطالعه سند ← تصویب‌نامه شماره ۱۱۲۴۱۱/ت/۵۲۵۱۳ هیئت وزیران در خصوص اقدامات مربوط به برنامه مشارکت ملی در زمینه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای:

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/946142>

۱۳. ←

<https://unfccc.int/news/iran-submits-its-climate-action-plan-ahead-of-2015-paris-agreement>

۱۴. اساساً اعتراض به هر قاعده لازم‌الاجرا، اعم از معاهدات بین‌المللی یا عرف، در نتیجه فرایند ادعا (کنش) و ادعای متقابل (واکنش) صلح‌آمیز دولت‌ها صورت می‌گیرد. همان‌طور که کنش‌های دولت رویه منشأ قاعده الزام‌آور را پدید می‌آورد، واکنش دولت به این کنش‌ها نیز به منزله رویه آنان منظور می‌شود (Abass, 2012: 305). به بیان دیگر، چنانچه ادعاهای پدیدآورنده یک قاعده لازم‌الاجرا در حقوق بین‌الملل با ادعای متقابل از جانب جمهوری اسلامی ایران نزد جامعه بین‌المللی مطرح شود، قاعده یا معاهده یا عرف مورد بحث دیگر در زمره تعهدات واجب‌الرعايه دولت ایران تحقق نخواهد یافت.

۱۵. سیاست فوق را همه‌ساله دولت ایالات متحده آمریکا به منصفه ظهور می‌رساند و رویه جابرايه خود را قهراً بر همه تابعان حقوق بین‌الملل تحمیل می‌کند. مثلاً می‌توان از برنامه آزادی دریانوردی این کشور نام برد که از سال ۱۹۷۹ درصدد مقابله با ادعاهای دریایی کشورهای ساحلی برآمده است تا موضع خود را بر آنان مستولی سازد. طی این برنامه، دولت آمریکا ابتدا در قالب اعتراض رسمی به ادعاهای دریایی کشورهای ساحلی، از جمله جمهوری اسلامی ایران، واکنش نشان می‌دهد. دولت آمریکا بر آن است که قانون مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مغایر حقوق بین‌الملل دریاهاست و خط مبدأ جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان فراتر از آن مقداری است که در حقوق بین‌الملل مقرر شده است. بر این اساس آمریکا اعتراض رسمی خود را با استفاده از همه انواع مکاتبات دیپلماتیک جهت عقب راندن جمهوری اسلامی ایران از منطقه دریایی خلیج فارس و دریای عمان به کار گرفته است. در مرحله بعدی این کشور متوسل به اقدام نظامی و

عملیاتی در حوزه‌های مورد بحث می‌شود تا بدین رهگذر ادعای دریایی جمهوری اسلامی ایران را به چالش بکشد. بنابراین، پس از هر مانور نظامی در منطقه مورد اعتراض، اطلاعات و جزئیات رزمایش خود را در گزارش‌های سالیانه خود ثبت و اعلام می‌کند تا اولاً موضع خود را در قبال ایران تثبیت کند و در ثانی خط مبدأ جمهوری اسلامی ایران را از اعتبار حقوقی نزد جامعه بین‌الملل ساقط کند؛ موضوعی که اغلب از جانب جمهوری اسلامی ایران واکنش (حقوقی) در پی نداشته است (رنجبریان و صیرفی، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

۱۶. فرایند عرف بین‌المللی، که موجودیت عرف را معلق به خود می‌سازد، به دو رکن اساسی محدود است: عنصر مادی و عنصر معنوی (روانی). به عنصر معنوی عرف، که اعتقاد به الزام‌آور بودن یا بر حق بودن یا عقیده به ضروری بودن یک قاعده حقوقی را در بر می‌گیرد، *OPINIO JURIS* گفته می‌شود (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۱۵۵).

۱۷. به ظن این رژیم، سامانه‌های موشکی با برد حداقل ۳۰۰ کیلومتر، که قادر به حمل کلاهک‌هایی با وزن بیش از ۵۰۰ کیلوگرم باشند، موشک‌های قادر به حمل سلاح هسته‌ای شناخته می‌شوند (CRS Report, 2003: 5). بر این اساس، کشورهای جهان، از جمله دولت‌های اروپایی، به ضابطه این رژیم جهت هسته‌ای خواندن موشک‌های بالستیک ایران در سطح ارکان‌های بین‌المللی، از جمله شورای امنیت، استناد می‌کنند.

← ۱۸

S/2020/531; S/2019/934, 492; S/2018/1089, 602; S/2017/1030, 515; S/2016/1136, 589

← ۱۹

S/2020/443, 513; S/2019/49, 315, 457, 752, 863, 907, 926; S/2018/511, 967, 1061, 1073; S/2017/205, 719, 731; S/2016/279

20. Minamata Convention on Mercury (10 October 2013), Entry into force: 16 August 2017.

21. "... pursuant to Article 30, paragraph 5 of the Convention, the Islamic Republic of Iran hereby declares that any amendment to an annex to the Convention shall enter into force for the Islamic Republic of Iran only upon the deposit of its instrument of ratification, acceptance, approval or accession with respect thereto ... Consistent with its principal policy of protecting and promoting the environment and human health, the Islamic Republic of Iran has ratified the Minamata Convention on Mercury.

Fulfilling the obligations enshrined in the Convention is a clear duty of all relevant stakeholders including governmental or non-governmental; the Ministry of Foreign Affairs as the National Focal Point and the Organization of Protection of Environment as the National Authority of the Convention are assigned with the task of handling and monitoring the national implementation of the Convention.

It is the understanding of the Islamic Republic of Iran that implementation of the Convention is subject to providing the developing countries with sustainable, adequate and accessible financial support, technical assistance, technology transfer as well as capacity building and proper training which are recognized in the Articles 13 and 14 of the Convention as part of responsibilities of all parties, specifically the developed country parties.



► The Islamic Republic of Iran is of the view that full and accurate implementation of the said articles is as necessary as other articles of the Convention and non-implementation of the said Articles may raise the issue of compliance.

Should the above assistance and support fail to be adequate, timely and sustainable; the extension of the exemptions will be a necessity.

The Islamic Republic of Iran would like to encourage all countries that have not yet done so, in particular developed countries to join the Convention and emphasizes that the whole international community should work together to realize the accepted principle of 'Common but Differentiated Responsibilities.'

بر اساس بند ۵ ماده ۳۰ کنوانسیون، جمهوری اسلامی ایران پیوسته اعلام می‌دارد که هر گونه اصلاحیه ضمیمه کنوانسیون برای جمهوری اسلامی ایران تنها پس از تودیع سند تصویب پذیرفته یا الحاق به آن لازم‌الاجرا می‌شود. جمهوری اسلامی ایران مطابق سیاست‌های کلی (اساسی) خود، مبنی بر حفاظت و ارتقای محیط زیست و سلامت انسان، کنوانسیون میناماتا دربارهٔ جیوه را تصویب می‌کند.

عمل به تعهدات مندرج در کنوانسیون وظیفه روشن همهٔ ذی‌نفعان، اعم از دولتی و غیردولتی، است. وزارت امور خارجه در مقام مرجع کانونی و سازمان حفاظت از محیط زیست وظیفه رسیدگی و نظارت بر حسن اجرای کنوانسیون را بر عهده دارند.

جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که اجرای کنوانسیون منوط به ارائهٔ حمایت‌های مالی پایدار، کافی و در دسترس، کمک‌های فنی، انتقال فناوری، و همچنین ارتقای استعداد و آموزش متناسب برای کشورهای در حال توسعه است که در مواد ۱۳ و ۱۴ به منزلهٔ بخشی از مسئولیت‌های طرفین (ویژهٔ کشورهای توسعه‌یافته) به رسمیت شناخته شده است.

جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که اجرای کامل و دقیق مواد یادشده (۱۳ و ۱۴) به اندازهٔ سایر مفاد کنوانسیون لازم و ضروری است و عدم اجرای آن موضوع (عدم) پایبندی به معاهده را ایجاد می‌کند. در صورتی که کمک و حمایت‌های فوق کافی، به‌موقع، و مستمر نباشد تمدید یا گسترش معافیت‌ها یک ضرورت خواهد بود.

جمهوری اسلامی ایران همهٔ کشورهایی را که تا کنون به عضویت در این کنوانسیون اقدام نکرده‌اند، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته را، تشویق به پیوستن به کنوانسیون می‌کند و تأکید می‌کند که همهٔ جامعهٔ بین‌المللی باید برای تحقق اصول پذیرفته‌شده «مسئولیت‌های مشترک اما متمایز» با یکدیگر همکاری کنند.

22.

https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=IND&mtdsg_no=XXVII17&chapter=27&clang=_en#EndDec
<https://treaties.un.org/doc/Publication/MTDSG/Volume%20II/Chapter%20XXVII/XVII-17.en.pdf>

23. Intergovernmental Agreement on Dry Ports (1 May 2013), Entry into force: 23 April 2016

۲۴. متن اعلامیهٔ حق شرط ایران در این موافقت‌نامه بدین شرح است:

“the implementation of the provisions of Article 13 of the Agreement is subject to



fulfilment of the requirements of Article 139 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran.”

https://treaties.un.org/pages/viewdetails.aspx?src=treaty&mtdsg_no=xi-e-3&chapter=11&clang=_en

25. Convention on limitation of liability for maritime claims (19 November 1976), Entry into force: 1 December 1986.

۲۶. متن اعلامیه حق شرط ایران در این موافقت‌نامه بدین شرح است:

The instrument of accession was accompanied by the following reservation: 'The Government of the Islamic Republic of Iran reserves its right to exclude the application of the provisions of article 2, paragraphs (d) and (e), according to article 18(1) of the Convention.

https://www.ilo.org/dyn/natlex/natlex4.detail?p_isn=103159&p_lang=en

27. Agreement on the International Carriage of Perishable Foodstuffs and on the Special Equipment to be used for such Carriage (1 September 1970), Entry into force: 21 November 1976.

28. https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=XI-B-22&chapter=11&clang=_en

29. a Protocol to Eliminate Illicit Trade in Tobacco Products (12 November 2012), Entry into force: 1 October 2018.

30. https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=IX-4-a&chapter=9&clang=_en

31. International Agreement on Olive Oil and Table Olives (9 October 2015), Entry into force: 1 January 2017.

https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=XIX-49&chapter=19&clang=_en

33. Framework Agreement on Facilitation of Cross-border Paperless Trade in Asia and the Pacific (19 May 2016), Entry into force: 20 February 2021.

34.

https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=UNTSOnline&mtdsg_no=X-20&chapter=10&clang=_en

۳۵. اصطلاح اعلامیه تفسیری به معنای اعلامیه یک‌جانبه‌ای است که از طرف دولت به دبیرخانه کنوانسیون یا امین

معاهده سپرده می‌شود تا برخی از مقررات متناسب به پیمان را منطبق با برداشت خود تفسیر کند. هنگامی که

اعلام‌کننده رضایت خود را صرفاً منوط به تفسیر خود سازد به آن «اعلامیه تفسیری مشروط» می‌گویند که متضمن

قید تحفظ در مفاد اعلام‌شده است.

36. United Nations Convention on the Law of the Sea (10 December 1982), Entry into force: 16 November 1994.

۳۷. عنصر ذهنی (معنوی)

منابع

الف) کتاب

- راعی دهقی، م. (۱۳۹۰). حق شرط بر اسناد حقوق بشر از دیدگاه حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ساعد، ن. (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل معاصر. تهران: خرسندی.
- ضیائی بیگدلی، م. ر. (۱۳۹۲). حقوق معاهدات بین‌المللی. تهران: گنج دانش.
- ضیائی بیگدلی، م. ر. (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: گنج دانش.
- کک‌دین، ن.، دیبه، پ. و پله، آ. (۱۳۸۲). حقوق بین‌الملل عمومی. ترجمه حسن حبیبی. تهران: مؤسسه اطلاعات.

ب) مقالات

- امین‌زاده، ا. و لهراسبی، ا. (۱۴۰۰). «مبانی حقوقی پاسداری از توانمندی موشکی بالستیک جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل». آفاق امنیت دانشگاه امام حسین (ع). ۱۴ (۵۱).
- بهادری جهرمی، ع. و فتاحی زفرقندی، ع. (۱۳۹۴). «بررسی ابهامات صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تصویب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی با نگاهی به نظرهای شورای نگهبان». مجله دانش حقوق عمومی. ۴ (۱۲).
- رنجبریان، ا. ح. و صیرفی، س. (۱۳۹۴). «ایران و برنامه آزادی دریانوردی». مجله حقوقی بین‌المللی. ۳۲ (۵۲).

ج) پایگاه اینترنتی

- لهراسبی، ا. (۱۴۰۱). «شورای نگهبان بر طلیعه صیانت از تعهدات بین‌المللی ملت». ویژه‌نامه ناظر امین. قابل دسترسی در:

<https://www.shora-gc.ir/fa/news/8654>

References

A) Book

- Ademola, A. (2012). *International Law Text. Cases and Materials*. Oxford University Press.
- Crawford, J. (2012). *Brownlie's Principles of Public International Law*. Oxford University Press,
- Hannikainen, L. (1988). *Peremptory Norms (Jus Cogens) in International Law: Historical Development*. Finnish Lawyers' Publishing Company.
- Kekdin, N., Diyeh, P., Pele, A. (1382). *Public International Law. 1*. translated by Hassan Habibi. ettelaat Institute Publications
- Lauterpacht, H. (2011). *The Function of Law in the International Community* Oxford University Press;
- Lepard, B. D. (2010). *Customary International Law: A New Theory with Practical Applications (ASIL Studies in International Legal Theory)*. UK: Cambridge University Press.
- Lindley, M. F. (1969). *The acquisition and government of backward territory in international law. Being a treatise on the law and practice relating to colonial expansion*. Negro Universities Press.
- Rai Dehaghi, M. (2013). *the right to reservation on human rights documents from the perspective of public international law and Islamic international law*. Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications
- Saed, N. (2014). *Contemporary International Law*. Khorsandi Publications
- Ziai Begdali, M. R. (2012). *Law of Treaties*. Ganj Danesh Publications
- Ziai Begdali, M. R. (2014). *Public International Law*. Ganj Danesh Publications

B) Article

- Aminzadeh, E., Lohrasbi, A. (1400). Legal Basis for Defending the Ballistic Missile Capability of the Islamic Republic of Iran in the International Community. *Scientific Journal of Security Horizons of Imam Hossein University (AS)*. 14 (51).
- Bahadri Jahormi, A., Fatahi Zafarqandi, A. (2014). Review of the Ambiguities of the Islamic Consultative Assembly's Competence in Approving International Agreements with Regard to the Decisions of the Guardian. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*. 4 (12).
- MacGibbon, I. I. (1953). "Some Observations on the Part of Protest in International Law". *British Year Book of International Law*
- Noonan, P. (1984). "Revolutions and Treaty Termination". *Dickinson International Law Annual*, 2 (2).
- Ranjbarian, A. H., Sirfi, S. (2014). Iran and the United States Freedom of Navigation Program. *International Law Review*. 32 (52).

Document

Agreement on the International Carriage of Perishable Foodstuffs and on the Special Equipment to be used for such Carriage (1 September 1970). Entry into force: 21 November 1976.

Convention on limitation of liability for maritime claims (19 November 1976). Entry into force: 1 December 1986

CRS Report (2003). Missile Technology Control Regime (MTCR) and International Code of Conduct Against Ballistic Missile Proliferation (ICOC): Background and Issues for Congress (CRS Report No. RL31848). Retrieved from Congressional Research Service website: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/RL/RL31848/3>

Framework Agreement on Facilitation of Cross-border Paperless Trade in Asia and the Pacific (19 May 2016). Entry into force: 20 February 2021.

ICJ Reports (1951). Haya de la Torre (Colombia v. Peru),

ICJ Reports (1955). East Timor (Portugal v. Australia)

ICJ Reports (1969). North Sea Continental Shelf (Federal Republic of Germany/Netherlands)

ICJ Reports (1986). Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America).

Intergovernmental Agreement on Dry Ports (1 May 2013). Entry into force: 23 April 2016.

International Agreement on Olive Oil and Table Olives (9 October 2015), Entry into force: 1 January 2017.

Minamata Convention on Mercury (10 October 2013). Entry into force: 16 August 2017.

United Nations Convention on the Law of the Sea (10 December 1982). Entry into force: 16 November 1994.

Sites

Lohrasbi, Amir (1401). The Constitutional Council on the Protection of the International Obligations. Amin's Special Report, available at:

<https://www.shora-gc.ir/fa/news/8654>.

<https://treaties.un.org/doc/Publication/MTDSG/Volume%20II/Chapter%20X%20XVII/XXVII-17.en.pdf>

https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=IND&mtdsg_no=XXVII17&chapter=27&clang=en#EndDec

https://treaties.un.org/pages/viewdetails.aspx?src=treaty&mtdsg_no=xi-e-3&chapter=11&clang=en

https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=XI-B-22&chapter=11&clang=en

https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=XI-X-49&chapter=19&clang=_en

https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=UNTSOnline&mtdsg_no=X-20&chapter=10&clang=_en

https://www.ilo.org/dyn/natlex/natlex4.detail?p_isn=103159&p_lang=en

